

بررسی دو وجه فرهنگ ترکمن

فرهنگ مردانه، فرهنگ زنانه



آتادردی عنصری

مدت مدیدی در میان ترکمن‌ها زندگی کرده است می‌نویسد: زنان ترکمن وقتی می‌بینند فرزندان‌شان می‌توانند بخوانند و بنویسند، احساس غرور فراوان می‌کنند.

در غیاب یک نظام سیاسی مستقر و به تبع آن نبود نظام فراگیر آموزشی، ادبیات شفاهی گفتاری با عاملیت زنان امر تربیت فرهنگی فرزندان ایل را صورت‌بندی می‌کرد. در حقیقت ادبیات شفاهی گفتاری کارکردی آموزشی-تربیتی برای رده‌های سنی نوجوان داشت؛ همان‌گونه که ضرب‌المثل‌ها کارکرد آموزشی-تربیتی و انتقال فرهنگ در گستره‌ای به وسعت اجتماع را داشت.

عاملیت زنان در حیطه آموزش فرهنگی نوجوانان از طریق ادبیات شفاهی گفتاری و عاملیت مردان در حیطه آموزش‌های اجتماعی-فرهنگی مردان و زنان ایل، در حقیقت سبب خلق دو نوع فرهنگ عمومی در اجتماعات ترکمنی شد: فرهنگ زنانه و فرهنگ مردانه. فرهنگ زنانه خصلت‌های لطیف و هنری احاد ایل را شکل می‌داد و فرهنگ مردانه خصلت‌های جنگاوری و رادمردی را در ایل قوام می‌بخشید. چنین می‌نماید همین کارکرد دوگانه فرهنگی در اجتماعات ترکمنی در شکل‌گیری و قوام‌یافتگی شخصیت جمعی انسان ترکمن نقش مؤثر داشته است. اینکه هنر موسیقی چه در سطح و چه در عمق اجتماعات ترکمنی نفوذی گسترده داشته و دارد، بدون تردید به دلیل تأثیرگذاری روحی و تربیتی سروده‌های آهنگین زنان ترکمن می‌توانسته باشد. زنان و مادرانی که با نغمه‌های خوش و اشعار ساده و روان خود، ذهن و روح فرزندان ایل را از طفولیت سیراب می‌کرده‌اند. زنان ترکمن کودکان و نوجوانان خود را در مناسبت‌های مختلف و با الحان دل‌انگیز و تشبیهات زیبا توصیف کرده‌اند. سخن درستی است این گفته که تربیت کودک با لایه‌ی مادر آغاز می‌شود.

حاصل اینکه در کنار تربیت، روح سلحشوری و جوانمردی که محصول فرهنگ مردانه بوده، فرهنگ زنانه با آواهای موسیقایی خود رسالت تلطیف روح جامعه را پیش می‌برد است. این دو وجه فرهنگی در ارتباطی انداموار در شکل‌گیری و انسجام شخصیت تاریخی ترکمن نقش تعیین‌کننده داشته است.

قبیله‌داز در نجات جان محمدحسن‌خان قاجار از خطر اسارت به دست نیروهای نادرشاه افشار می‌گوید. صفحات خونین و پر آب چشم‌تاریخ قوم ترکمن در قرن نوزدهم میلادی / سیزدهم ه.ق. به‌ویژه در جنگ‌های متوالی با قوای روسیه تزاری با دل‌آوری‌ها و از جان‌گذشتگی‌های نامیدانه مادران ترکمن رنگ گرفته است. بخشی از این اخبار در گزارش‌های تکان‌دهنده مک‌گانه، خبرنگار آمریکایی به یادگار مانده است.

سفرنامه‌نویسان ایرانی، روسی، انگلیسی و عثمانی که از نخستین سال‌های قرن نوزدهم تا پایان قرن میان اجتماعات مختلف ترکمن به سیاحت پرداخته‌اند، صفحاتی از گزارش‌های خود را به زنان و نقش آنان در حیات اجتماعی-اقتصادی جامعه ترکمن اختصاص داده‌اند. سفرنامه‌نویسان غالباً به آزادی زن ترکمن در مراودات اجتماعی و حضور فعال آنان در زیست اجتماعی و اقتصادی اشاره کرده‌اند و در این باره از نوعی تقسیم‌کار نانوشته بین زنان و مردان ترکمن سخن رانده‌اند. در این تقسیم‌کار، امور جنگ و دفاع، کشاورزی و دامداری و تجارت بر دوش مردان و امور مربوط به خان‌ومان و برپایی و جمع‌کردن آلاچیق، تهیه فراورده‌های دامی و منسوجات، اعم از انواع فرش و پوشاک، برعهده زنان بوده است. روشن است که زمینه مادی این تقسیم‌کار را باید در مناسبات اقتصادی و نوع معیشت جامعه ترکمن در آن دوره جست‌وجو کرد.

این تقسیم‌کار جنبه دیگری نیز داشت و آن در حوزه تربیت فرزندان ایل بود. تربیت جنگی و اجتماعی فرزندان برعهده مردان و بخش مهمی از تربیت فرهنگی فرزندان اعم از دختران و پسران برعهده زنان ایل بود؛ چراکه عاملیت بخش بزرگی از ادبیات شفاهی گفتاری و غیرگفتاری را در اجتماعات ترکمن زنان پیش می‌بردند. اجزای متنوع ادبیات شفاهی با خصلت گفتاری از قبیل قصه‌های پریان و افسانه‌ها، ترانه‌های عروسی و لایله‌ی، سوگ‌سروده‌ها، بازی‌های زنانه و غیره، همه و همه محصول خلاقیت ادبی-موسیقایی زنان ترکمن است. گروه مخاطب اصلی در اجرای بیشترین این گفتارهای شفاهی ادبی-موسیقایی، کودکان و نوجوانان و جوانان دختر و پسر بودند. بلوک‌ویل، سفرنامه‌نویس فرانسوی که

بنیاد هستی تاریخی یک ساخت انسانی، بر نظم انداموار عناصر تشکیل‌دهنده آن استوار است. هستی تاریخی ترکمن هم به عنوان یک کل به هم پیوسته از همین قاعده پیروی می‌کند. بر همین پایه چنین می‌نماید که مطالعه هستی تاریخی مردم ترکمن بدون بررسی اجزای تشکیل‌دهنده آن در یک دستگاه انداموار مطالعه‌ای ناقص خواهد بود. به بیان دیگر، مطالعه تاریخ سیاسی ترکمن نمی‌تواند جدای از تاریخ فرهنگی انجام شود؛ چراکه تاریخ سیاسی ترکمن در وجه غالب آن حاصل کنش تاریخی و در زمانی مردان ترکمن است. حال آنکه مردان نیمی از جامعه انسانی ترکمن را تشکیل می‌دهند؛ اگرچه در تاریخ سیاسی ترکمن زنان نیز بعضاً نقش‌آفرینی کرده‌اند. این درحالی است که در شکل‌گیری و تطور تاریخ فرهنگی ترکمن زنان به مراتب نقش اثرگذارتری نسبت به مردان داشته‌اند.

اگر تاریخ فرهنگی را به دو بخش فرهنگ مکتوب و فرهنگ شفاهی تقسیم کنیم، بخش فرهنگ مکتوب در وجه غالب خود حاصل آفرینش ادبی مردان ترکمن بوده است. اما در بخش فرهنگ شفاهی، چه در وجه گفتاری و چه در وجه غیرگفتاری آن، نقش غالب از آن زنان است. پس مطالعه هستی تاریخی ترکمن بدون ملاحظه و تعمق در نقش فرهنگی زنان کاری ناقص خواهد بود. درباره نقش زنان در تاریخ سیاسی ترکمن برخی از مآخذ تاریخی در دوره‌های مختلف، گزارش‌هایی ثبت کرده‌اند. از جمله در کتاب «شجره تراکمه» که یک منبع تاریخی و قومی محسوب می‌شود و گزارش کوتاهی از حکمرانی هفت تن از زنان اوغوز در قرن دهم-یازدهم میلادی / چهارم-پنجم ه.ق در آن ثبت شده است. سعید نفیسی در کتاب خود با عنوان «تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، مجلد یکم: دوره قاجاری» از نقش مؤثر خاتون اول